

■ بررسی تاریخیچه مستندسازی تصویری آثار معماری
و شهرسازی ایران (از پیش از اسلام تا پایان دوره پهلوی)
وحید حیدری

■ چکیده

هدف: بررسی کمی و کیفی اسناد تصویری بازمانده از ایران قدیم با موضوع معماری و شهرسازی.

روش: تحلیل مدارک آرشیوی، بررسی‌های باستان‌شناسی، تاریخ مکتوب و تاریخ معماری.

یافته‌ها: این تحقیق نشان از تفاوت در تعداد و کیفیت مدارک تاریخی تصویری دارد. همچنین با وجود تکرار اسناد در برخی مقاطع، از برخی دوران تاریخی سند تصویری زیادی موجود نیست. بیشتر مدارک تصویری به دست آمده از دوره تاریخی پیش از اسلام به حوزه‌های تمدنی جیرفت و ایلام باستان برمی‌گردد. همچنین مدارکی مربوط به معماری ماد و اورارتو وجود دارد که به نظر می‌رسد به قصد مستندسازی تولید شده‌اند. از اوایل دوران اسلامی تا پهلوی، مدارک تصویری با روالی صعودی و نامنظم به صورت کمی و کیفی افزایش می‌یابند. این اسناد تا دوران ایلخانی عمدتاً در حوزه جغرافیا هستند؛ اما پس از آن و تا اواسط قاجار به صورت محتوایی تنوع می‌یابند. نکته مهم از دوره اخیر واقع‌گرا بودن مدارک تولید شده توسط مستشرقین در مقابل سبک تزئینی ایرانیان است. از اواسط قاجار شیوه‌های مستندسازی توسعه فنی می‌یابد؛ ولی آنچه می‌توان از آن به عنوان مستندسازی نظام‌مند یاد کرد به مابعد دوران پهلوی برمی‌گردد.

نتیجه: مستندسازی تصویری در ایران روندی متغیر و توأم با قوت و ضعف دارد؛ اما گرایش به واقع‌نمایی در سده اخیر افزایش داشته است. برخی از این مدارک از ابتدا با هدف مستندسازی تولید شده‌اند و بعضی دیگر با اهداف دیگر تولید شده و با گذشت زمان ماهیت سند یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها

اسناد تصویری، اسناد معماری و شهرسازی، مستندسازی نظام‌مند.

مطالعات آرشیوی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و ششم، دفتر سوم، (پاییز ۱۳۹۵)، ۱۳۱-۱۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۳۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۱

بررسی تاریخچه مستندسازی تصویری آثار معماری و شهرسازی ایران (از پیش از اسلام تا پایان دوره پهلوی)

وحید حیدری^۱

مقدمه

گرچه اسناد تاریخی معماری و شهرسازی ایران به وفور در مطالعات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما در مورد تاریخچه ایجاد این اسناد و فن مستندسازی کمتر تحقیقی جداگانه صورت گرفته است. این اسناد را از دیدگاه هدف از تهیه و ثبت می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد: یک گروه آثاری هستند که به نظر می‌رسد در زمان خلق با اهدافی چون وجوه تمثیلی و تزئینی تولید شده‌اند و گذشت زمان ماهیت استنادی به آن‌ها بخشیده است و گروه دیگر آثاری هستند که به نظر می‌رسد از همان زمان خلق، محتوای مستندسازی داشته‌اند و هدف از تولید آن‌ها انتقال پیامی واقع‌گرایانه به آیندگان بوده است. گرچه تشخیص هدف از خلق آن‌ها دشوار است اما گرایش کلی اسناد به واقع‌نمایی، از گذشته تاکنون با روندی متغیر، عموماً افزایش داشته است؛ خاصه در سده اخیر که نیازهای کاربردی مستندسازی را بیش‌ازپیش مهم ساخته است.

اسناد حوزه معماری و شهرسازی را از زاویه ارتباط با مخاطب می‌توان به دو دسته اسناد مکتوب و اسناد تصویری دسته‌بندی کرد که در گروه اول محتوای نوشتاری سند و در گروه دوم ماهیت بصری سند بیشتر مورد تأکید است. تحقیق پیش‌رو از این دو دسته بر گروه دوم یعنی بر تاریخچه و محتوای تولیدی اسناد تصویری متمرکز است؛ مدارکی همچون: نقش برجسته، نقش‌کنده، مجسمه، مهر، نقاشی، کروکی، گراور، نقشه، عکس، فیلم و مشابه آن. لازم به ذکر است شیوه‌های مستندسازی در دو سه دهه اخیر تنوع کیفی بالایی

۱. مربی، عضو هیئت علمی دانشکده هنر
دانشگاه سمنان
vahidary@semnan.ac.ir



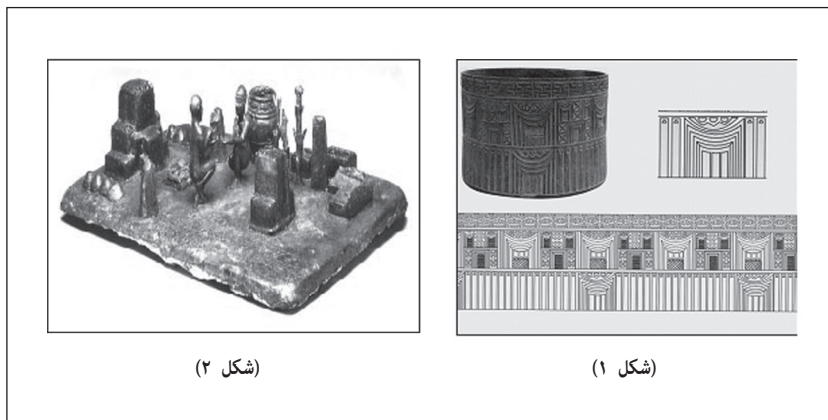
یافته‌اند، به نحوی که بررسی تاریخی آن‌ها نیازمند گذشت زمانی بیشتر و مطالعه‌ای جداگانه است؛ بنابراین شیوه‌های جدید در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش در پی ارزیابی آن‌ها است از این قرارند:

۱. سوابق کمی و کیفی اسناد تصویری سرزمین ایران، با ماهیت معماری و شهرسازی، از گذشته تا دوران اخیر به چه شکل است؟

۲. کدام دسته از اسناد مربوط از ابتدا با هدف مستندسازی یک وضعیت موجود تولید شده‌اند و کدام یک با اهداف دیگری تهیه شده و امروزه ماهیت استنادی به خود گرفته‌اند؟

مستندسازی آثار معماری و شهرسازی در ایران پیش از اسلام

به لحاظ تاریخی اولین اسناد تصویری مرتبط با معماری و شهرسازی ایران را می‌توان در تمدن‌های جیرفت (هزاره ۵-۷ ق.م) و ایلام (هزاره ۳ تا سده ۷ ق.م) جستجو کرد. نقوش ترسیم شده روی مهرها، نقش‌کندهای یادمانی و ماکت‌های گلی از این دسته هستند. گرچه دلایل متافیزیکی ممکن است از علل خلق این آثار باشد؛ ولی زمینه‌های عملکردی مانند نمونه‌سازی، جنبه‌های یادمانی و نمادین و توسعه اندیشه حاکمان را نباید فراموش کرد (شکل ۱).



(شکل ۲)

(شکل ۱)

شکل ۱

ثبت ویژگی‌های معماری روی ظرفی استوانه‌ای به دست آمده از حوزه تمدنی جیرفت (مجیدزاده و میری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴).

شکل ۲

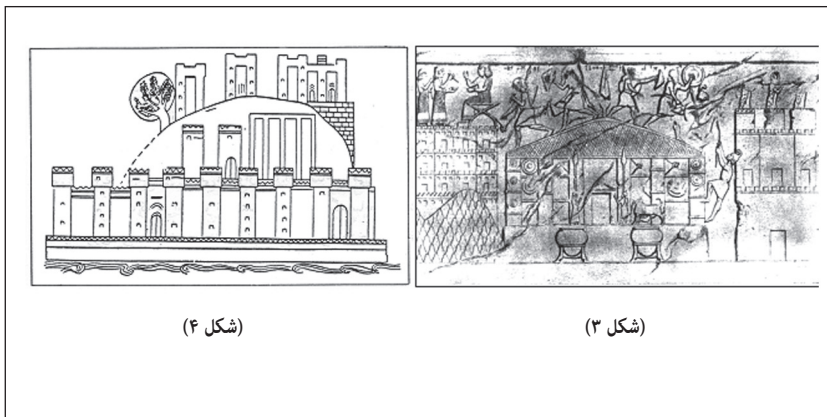
تصویر فضای معماری در ماکت یک معبد از دوره ایلامی، محفوظ در موزه لوور (مجیدزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹).

در آثار ایلامی نشانه‌ها با ساختارهای معماری قرابت بیشتری دارند و متنوع‌ترند. فضاهایی همچون نیایشگاه‌ها، قلاع، کاخ‌ها و عناصری چون پلکان، تیرکش، خرابا و عناصر تزئینی از جمله مدارک به‌جای مانده از آن دوران هستند (شکل ۲). گرچه آثار معماری و اموال منقول متعددی از دوران ماد و همچنین تمدن اورارتو به دست آمده است؛ اما مدارک دارای ماهیت ثبت تصویری آثار معماری در آن دیده نمی‌شود (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱،

ص ۸۲، نقل به مضمون). باید گفت که عمده مدارک به جامانده نه به وسیله خود این تمدن‌ها بلکه به وسیله همسایه آشوری‌شان پدید آمده است. آشوریان در ضمن گزارش نبردهای خود با تمدن‌های ایلامی، اورارتو و مادی، آثار معماری و شهرسازی خصوصاً استحکامات نظامی قوم مغلوب را به تصویر کشیده‌اند (شکل ۳). تصویرسازی دژهای مادی کیشه سو، درماننا و خارخار را شاید بتوان به لحاظ کیفی جزء بهترین نقوش بجا مانده از دوران باستان قلمداد کرد (شکل ۴).

شکل ۳

تاراج پرستشگاه موساسیر (اورارتویی)
توسط لشکریان آشور، نقش به دست آمده
از کاخ سارگون دوم.
۷۱۴ ق م (پیوتروفسکی، ۱۳۴۸).



(شکل ۴)

(شکل ۳)

شکل ۴

دژ مادی خارخار از روی نقش برجسته
دورشاروکین، پایان قرن ۸ ق م. (سرفراز و
فیروززندی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

از دوران هخامنشی کتیبه‌های متعددی با موضوع معماری به جای مانده است؛ مانند کتیبه‌های خشایارشا مکشوفه از تخت جمشید (سرفراز و فیروززندی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴) و بعضاً به اقدامات مرمتی نیز اشاره شده است همچون بند ۱۴ از کتیبه بیستون (نارمن شارپ، ۱۳۴۶، ص ۱۳۹)؛ اما ثبت تصویری آثار معماری و شهرسازی به چشم نمی‌خورد. تعداد نسبتاً کم و پراکندگی آثار معماری و شهرسازی دوران اشکانی نه تنها بحث در مورد مدنیت، که حتی تاریخ سیاسی این دوران را دشوار ساخته است. موضوع دیگر همپوشانی تاریخی این سلسله با سلوکیان در یک گستره زمانی نسبتاً طولانی است. با وجود این محوطه‌های باستانی چندی از این تمدن قابل ذکر است که عمدتاً در حال حاضر بیرون از مرزهای کنونی سرزمین ایران محسوب می‌شوند. علاوه بر آثار معماری به جای مانده از تمدن اشکانی، دیگر آثار قابل ذکر نقاشی‌های دیواری و معدود آثار گچ‌بری هستند؛ که البته نگارنده تاکنون سندی مشاهده نکرده است که در آن اثری با ماهیت معماری یا سکونتگاهی، به قصد تزئین یا مستندسازی، خلق شده باشد.

عصر ساسانی دورانی است که اطلاعات تاریخی، و نه اسطوره‌پردازی، زیادی از آن به جای مانده است. از جمله موارد قابل توجه در متون این دوره اشاره به نام شهرها و ابنیه



شاخصی همچون آتشکده‌هاست؛ مانند اشارات موجود در *کارنامه اردشیر پاپکان* (باقری، ۱۳۷۸، صص ۲۲-۲۳ و ۳۷-۳۹). علاوه بر این بسیاری از تاریخ‌دانان اسلامی مانند مسعودی (حدود ۲۸۳-۳۴۶ق) و طبری (۲۲۴-۳۱۰ق) تاریخ شاهان و آثار این سلسله را توصیف کرده‌اند. در واقع تصویرسازی‌های متعدد انجام‌شده در این دوره، که عموماً از کیفیت بالایی برخوردارند، بیشتر به موضوعاتی چون زندگی شهریاران، تاج‌گذاری، شکست رقبا و صحنه‌های شکار و بزم پرداخته‌اند و کمتر مستندات تصویری از معماری و شهرسازی در آن‌ها دیده می‌شود.

مستندسازی معماری و شهرسازی در ایران پس از اسلام و تایش از دوران پهلوی

در قرون اولیه تا میانه هجری (پیش از حمله مغول در قرن ۷ق) دانش جغرافیا در کتاب‌هایی همچون مسالک و ممالک‌ها رشد فراوانی کرد؛ بنابراین اسناد تصویری این دوره هم از این جنس هستند. آثاری چون مسالک و ممالک ابن خردادبه (۲۰۵-۲۷۲ق) و اصطخری (قرن ۴ق)، *احسن التقسیم مقدسی* (قرن ۴ق) و *صورة الارض ابن حوقل* (قرن ۴ق) (شکل ۵). همچنین سفرنامه‌هایی نیز از سوی افرادی چون ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق) و ابودلف الخزرچی (قرن ۴ق) به رشته تحریر درآمده‌اند که در آن‌ها به شهرها و آثار معماری اشاره شده است. همچنین اسنادی نیز وجود دارند که از حیث هندسه و مهندسی مرتبط با مقوله بحث ما هستند که از معروف‌ترینشان رساله اشکال هندسی ابوالوفاء بوزجانی (۳۲۸-۳۸۸ق) است؛ با وجود این، مدارک تصویری معماری و شهرسازی تقریباً به چشم نمی‌خورد. در مورد این موضوع در کتاب *هندسه و تزئین در معماری اسلامی* آمده است: «از دوران پیش از مغول در عالم اسلام هیچ نقشه کاربردی معماری در دست نیست اما گاهی در متون اشاراتی به طرح شده است. مثلاً یعقوبی، مورخ و جغرافیدان، از بنیان‌گذاری شهر مدور بغداد در سال ۱۴۵ق به دست منصور خلیفه عباسی حکایت کرده و از ترسیم مستقیم نقشه آن بر زمین سخن به میان آورده است» (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۳). از دیگر منابع تصویری این دوره نقاشی‌های دیواری و آثار نگارگری است که مورد اخیر عمدتاً در جوار آثار ادبی به کار رفته است. گرچه یافتن مدارک معماری و شهرسازی در میان آن‌ها قدری دشوار است، چنانچه دامنه تحقیق را به خارج از مرزهای کنونی ایران گسترش دهیم آثار چندی موجود است مانند نقش کوشک و باغی با اجرای موزاییک‌کاری در مسجد جامع دمشق (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۱) یا تصویر روستایی در پس عبور یک کاروان (شکل ۶) که هر دو نقش بیش از آنکه مستندسازی ماقوع محسوب شوند ماهیت تزئینی دارند.

(ابوالوفای بوزجانی، ۱۳۸۴).

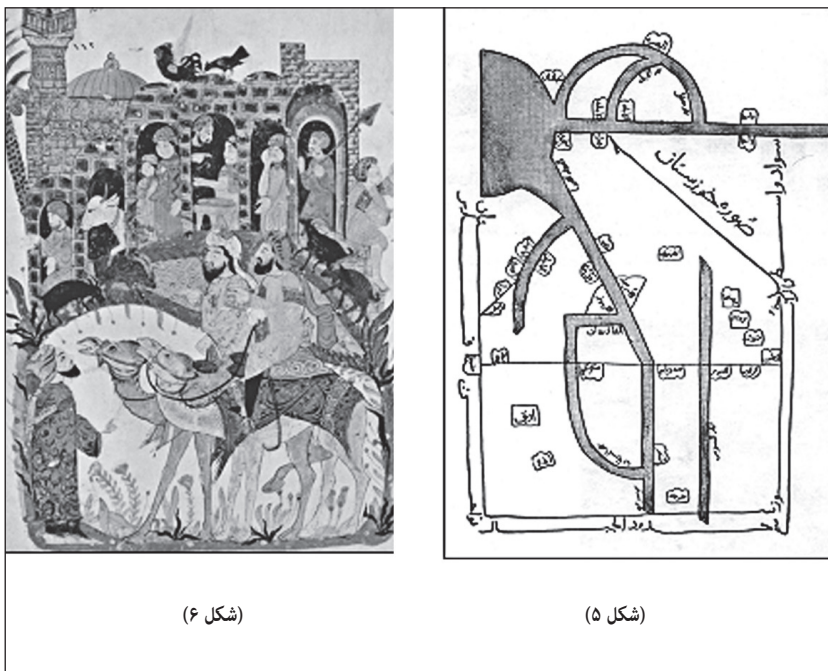


شکل ۵

نقشه خوزستان مطابق متن عربی کتاب
صورة الارض. توضیحات حاشیه این تصویر
اشاره به حدود جغرافیای شهرها، ابعاد
عوارض و برخی ساختارها همچون ابنیه و
پلها دارد (شعار، ۱۳۶۶).

شکل ۶

تصویری از کتاب مقامات حریری (بغداد،
۱۶۱۶ق) که فضای روستایی را در پس
عبور کاروانیان به تصویر کشیده است
(اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۸۸).



(شکل ۶)

(شکل ۵)

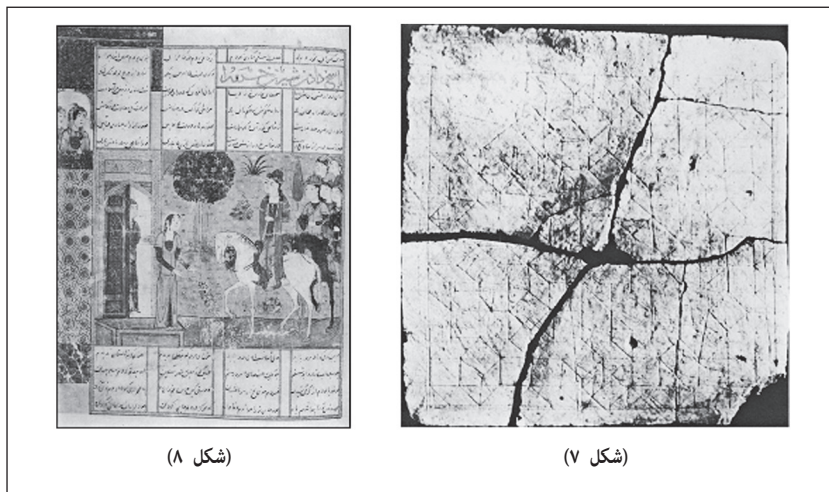
دوران ایلخانی، آغازی است بر افزایش نسبی مستندات معماری و شهرسازی ایران که
خاصه در میان آن‌ها منابع مکتوب فراوانند. از آن جمله مستشرقینی چون بنیامین تودلایی^۱
خاخام یهودی (قرن ۱۲م) و مارکوپولو تاجر ایتالیایی (ق ۱۳م) در نوشته‌هایشان به ایران
اشاره می‌کنند و راهب ایتالیایی اوردوریکوس^۲ (۱۲۸۶-۱۳۳۱م) اولین کسی است که به
آثار باستانی ایران (تخت جمشید) می‌پردازد (هرمان، ۱۳۷۳، صص ۴-۷). در میان مدارک
تصویری بازمانده، لوحی گچی (شکل ۷) به دست آمده از محوطه تخت سلیمان که ربع طاق
مقرنسی از دوره ایلخانی را به تصویر می‌کشد احتمالاً قدیمی‌ترین نقشه^۳ موجود است
(نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۶). همچنین اسناد تصویری مرتبط با جغرافیا متعدد هستند از آن
جمله نقشه‌هایی منسوب به ابوالحسن علی ابن سعید (پیش از ۶۸۵ق)، حمدالله مستوفی
قزوینی (۷۴۰ق)، ابن الوردی (۷۴۰ق) و دیگران. از دیگر اسناد تصویری مرتبط می‌توان به
تصویرسازی کتب ادبی اشاره کرد که عموماً در حوزه حکومت‌های محلی (آل جلایر ۷۳۶-
۸۳۵ق و آل مظفر ۷۱۳-۷۹۵ق) تولید شده‌اند. تصویرسازی بر کتبی چون: *منافع الحيوان*
ابن بختیشوع (حدود ۶۹۷ق)، *شاهنامه فردوسی دمو* (حدود ۷۳۶ق) و *خمس نظامی*
گنجوی (اواخر قرن ۸ق) از آن جمله‌اند (کنبای، ۱۳۸۱، صص ۲۷-۲۸). قابل توجه است
که در این آثار نیز ماهیت تزئینی بر جنبه واقع‌نمایی چیره است و کمتر می‌توان آن‌ها را

1. Benjamine of Tudela

2. Odorico Mattiussi

۳. احتمالاً نویسنده (نجیب اوغلو) در بکار
بردن واژه نقشه به ماهیت قابل اندازه
گیری بودن سند اشاره داشته است، که تا
دوره ایلخانی بی سابقه است.

مستندسازی معماری قلمداد کرد؛ با وجود این جزئیاتی از تزئینات معماری و فضاسازی‌ها قابل استناد کلی هستند (شکل ۸).



(شکل ۷)



(شکل ۸)

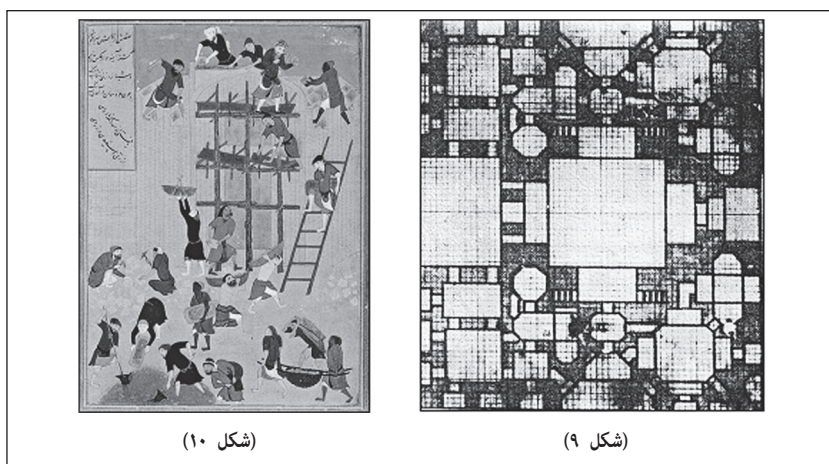
شکل ۷

پلان ربع مقرنس گچی کشف شده در تخت سلیمان مربوط به حدود سال ۶۶۸ ق (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۴).

شکل ۸

نگاره‌ای از خمسه نظامی منسوب به جلایریان بغداد (۷۸-۷۹ ق) (کتابی، ۱۳۸۱، ص ۴۳).

از دوران تیموری مدارک متعددی به جامانده است که گرچه مستقیماً به قصد مستندسازی تهیه نشده‌اند؛ اما امروزه از منابع پژوهش محسوب می‌شوند؛ خاصه افزایش استفاده از هندسه در این دوره لزوم استفاده از نقشه را فزونی می‌بخشد. همچنین وفور کاغذ موجب گسترش بی‌سابقه هنرهای مربوط به کتاب می‌شود (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۸). نکته قابل توجه در اسناد مذکور کشف شیوه‌های طرح‌اندازی و پیاده‌سازی نقشه است که یکی از آن‌ها استفاده از کاغذ شطرنجی و تخته‌رسم‌هایی است که طراح نه‌تنها در ترسیم اولیه بلکه در تطبیق نقشه با ساخت به کار می‌برده است (شکل ۹).



(شکل ۹)



(شکل ۱۰)

شکل ۹

پلان مقبره یا کوشکی با طرح متقارن مرکزی، منسوب به یک معمار از یک اهل بخارا (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۹).

شکل ۱۰

ساخت کاخ خورنق در نسخه‌ای از خمسه نظامی (۸۹۰-۸۹۹ ق) که در آن شیوه و عملیات ساختمانی دیده می‌شود (کرایی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

از جمله منابع عصر تیموری کتاب *مفتاح الحساب* غیاث‌الدین جمشید کاشانی (متوفی ۸۳۲ق) است که با نام *رساله طاق و ازج* شناخته می‌شود. مقالاتی از این رساله را که به شیوه‌های ترسیم و اندازه‌گیری فرم‌های طاقی و گنبدی شکل می‌پردازد می‌توان نوعی مستندسازی به شمار آورد (کاشانی، ۱۳۹۲). موضوعات معماری و ساخت از جمله موارد فراوان در نگارگری‌های عصر تیموری است مانند روایت ساخت مسجد سمرقند در *ظفرنامه یزدی* و کاخ خورنق در *خمسه نظامی* (شکل ۱۰)؛ گرچه جدا از کیفیت واقع‌نمایی‌ها تناقضاتی نیز وجود دارد مانند فضا‌سازی معماری داستان خسرو و شیرین (دوره ساسانی) که بیشتر سبک معماری قرن نهم هجری را نمایش می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی دوران صفوی افزایش فراوان تولید مدارک تصویری مستندگونه توسط مستشرقین است که می‌توان آن را متأثر از نمو رنسانس در اروپا دانست. از جمله تصاویری از جزیره هرمز، بندرعباس و اصفهان (شکل ۱۱). در میان مستندسازان غربی نام‌هایی چون آدام اولتاریوس^۱ آلمانی (۱۶۰۳-۱۶۷۱م) و ژان باتیست تاورنیه^۲ (۱۶۰۵-۱۶۸۹م) و ژان شاردن فرانسوی (۱۶۴۳-۱۷۱۳م) به چشم می‌خورد. برخلاف منابع تصویری غربی، آثار تصویری ایرانی و شرقی عموماً ماهیت تزئینی دارند، نمونه قابل ذکر طرح‌های هنرمندی ترک تبار به نام *نصوح مطراقچی* است که آثارش از خلال لشکرکشی سلطان سلیمان عثمانی به ایران (۹۴۰-۹۴۲ق) پدید آمده است و شاید تنها برخی کلیات فضاهای شهری را بتوان از آن‌ها برداشت کرد (شکل ۱۲). چنین به نظر می‌رسد که کمی مستندسازی تصویری در این دوران به نبود دیدگاه ثبت واقعیت موجود برمی‌گردد؛ زیرا متقابلاً در نقشه‌های ساخت، مقیاس و ترسیمات واقعی به کار می‌رفته است. گرچه کمتر این مدارک از حوزه سرزمین کنونی ایران به دست آمده است؛ ولی بخش زیادی از اسناد شناخته‌شده به نام *طومارهای تاشکند* (حوزه ماوراءالنهر) و *طومارهای توپقایی* (حوزه عثمانی) مربوط به حوزه سرزمینی ایران می‌شوند.

1. Adam Olearius

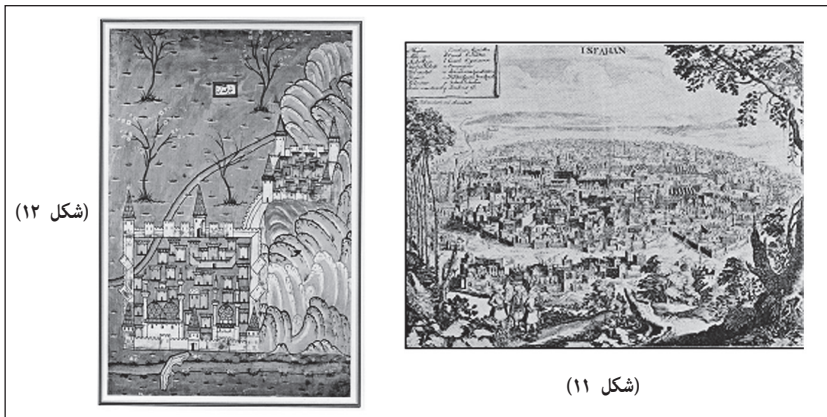
2. Jean Batiste Tavernier

شکل ۱۱

نمایی از اصفهان عصر صفوی به روایت آدام اولتاریوس به سال ۱۶۳۷م؛ میدان نقش جهان (شاه) در میانه تصویر دیده می‌شود (همايون، ۱۳۴۸، ص ۲۱۷)

شکل ۱۲

شهر همدان در نگاره‌ای متعلق به قرن ۱۱ق از سفرنامه بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان (مطراقچی، ۱۳۷۹، ص ۹۹).

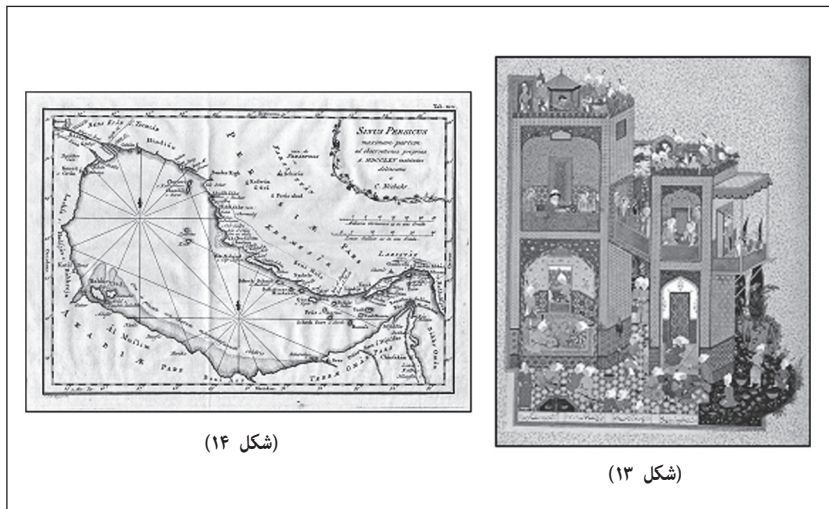


(شکل ۱۲)

(شکل ۱۱)



پرداختن به فضای معماری در آثار نگارگری و دیوارنگاری نیمه ابتدایی عصر صفوی بیشتر دیده می‌شود؛ اما مضامین به تدریج تغییر می‌کند و شخصیت پردازی انسانی غالب می‌گردد. از جمله آثار با مضامین معماری می‌توان تصویرگری بر کتبی چون شاهنامه طهماسبی (۹۳۱-۹۴۱ق)، خمسه نظامی (۹۴۵-۹۴۹ق) و گرشاسب‌نامه اسدی (۹۸۱ق) را نام برد که در همین موارد نیز مانند دوره‌های پیشین اهتمام تصویرگر بر خلق حداکثر زیبایی است تا انتقال پیامی واقع‌گرایانه و مدارک تنها در برخی جزئیات می‌توانند مبنای نقد تاریخی قرارگیرند (شکل ۱۳). دوران افشار (۱۱۴۸-۱۲۱۱ق) و زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ق) به نسبت تاریخ کوتاهی دارند و در اسناد تصویری به‌جای مانده کمتر موضوعات معماری و شهرسازی دیده می‌شود. از جمله مدارک مرتبط از این دوره می‌توان به نقشه منطقه‌ای خلیج فارس تهیه‌شده توسط کارستن نیبورا^۱ آلمانی (۱۷۳۳-۱۸۱۵م) اشاره کرد که موقعیت بسیاری از بندرها، شهرها و جزایر ایرانی در آن ضبط گشته است (شکل ۱۴).



شکل ۱۳

تصویری از شاهنامه شاه طهماسبی (۹۳۱-۹۴۱ق) با عنوان کابوس ضحاک، منسوب به میرمصور (گراپر، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

شکل ۱۴

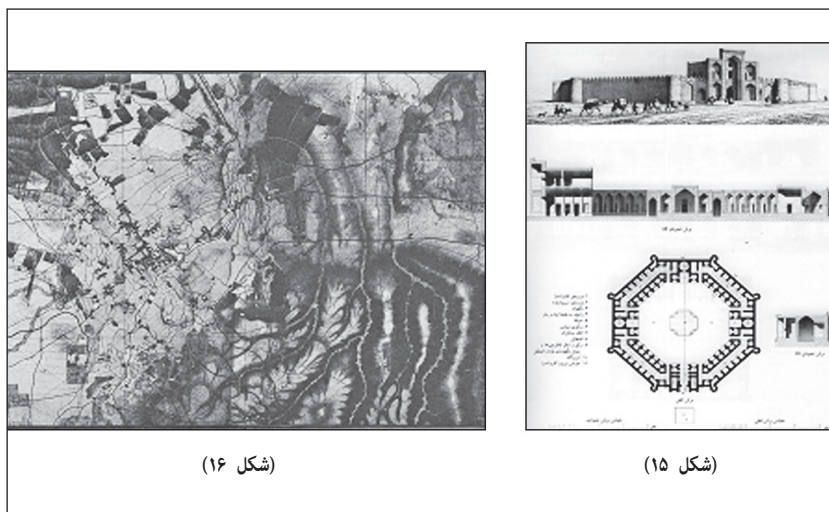
نقشه خلیج فارس (سینوس پرسیکوس)، ترسیم‌شده عمدتاً بر اساس مشاهدات کارستن نیبورا، ۱۷۶۵م (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷).

از دوران قاجار به دلایلی چون: هم‌زمانی با انقلاب صنعتی در اروپا، تنازعات ایران با همسایگانش و حضور استعمارگران در کشور و نیز فعالیت اندیشمندان وطنی، خیل اطلاعات و اسناد به‌جامانده است. از جمله شرق‌شناسان و نمایندگان سیاسی غربی که به آثار معماری نیز توجه کرده‌اند می‌توان رابرت کرپورتر^۲ (۱۷۷۷-۱۸۴۲م)، اوژن فلاندن^۳ (۱۸۰۹-۱۸۸۹م) و ادوارد براون^۴ (۱۸۶۲-۱۹۲۶م) را نام برد.

1. Carsten Niebuhr
2. Robert Ker Porter
3. Eugene Flandin
4. Edward Graville Browne

در مقایسه با قبل، ترسیمات این دوره ارتقای کیفی داشته و واقع‌گرایانه‌تر شده و ماهیت مقیاسه^۱ گرفته است در این میان پاسکال کوست^۲ (۱۷۸۷-۱۸۷۹م) پا را فراتر نهاده و به نقشه‌برداری بسیاری از ابنیه پرداخته است (شکل ۱۵). از دیگر مستندسازی‌های انجام‌گرفته توسط غیرایرانی‌ها می‌توان به تصویربرداری کتیبه‌های گنج‌نامه توسط سر ویلیام اوزلی^۳ در ۱۸۱۱م و کپی و قرائت خطوط کتیبه داریوش اول در بیستون توسط سر هنری راویلسون^۴ در ۱۸۳۱م اشاره کرد. همچنین مقارن با این وقایع حفاری‌هایی توسط فریزر در جرجان (۱۸۲۱م) و دیولافوا^۵ (۱۸۸۱م) و دمورگان^۶ در شوش (۱۸۸۹م) انجام شد (حجت، ۱۳۸۰، صص ۴۰۷-۴۱۲).

شاید تهیه اولین نقشه‌های مهندسی از شهرهای ایران را بتوان به دوران قاجار نسبت داد. از آن جمله مجموعه‌ای است که در نیم‌قرن اول حکومت قاجار توسط افسران نظامی روسیه تزاری ثبت و ضبط گشته است که شهرهایی چون تهران، تبریز، خرم‌آباد، همدان، سلطان‌آباد و بسیاری دیگر را دربرمی‌گیرد (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۳)؛ (شکل ۱۶).



(شکل ۱۶)

(شکل ۱۵)

شکل ۱۵

کاروانسرا امین‌آباد، مستندسازی از پاسکال کوست، حدوداً ۱۸۴۰م (کوست، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸).

شکل ۱۶

نقشه تهیه‌شده توسط افسران ارتش روسیه از شهر همدان در سال ۱۸۵۱م (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

از جمله نقشه‌های تهیه‌شده از شهر تهران نقشه برزین (۱۸۵۲م) و نقشه کرشیش (۱۸۵۸م) هستند؛ اما نام‌آشنا‌ترین نقشه توسط عبدالغفار استاد دارالفنون و شاگردانش به سال ۱۳۰۹ق (۱۲۷۰ش، ۱۸۹۱م) تهیه گردید؛ کاری که با انجام آن به دست ایرانیان گام بزرگی در مستندسازی آثار معماری و شهرسازی برداشته می‌شود (شکل ۱۷). مدارک تصویری دیگری که نه مستندسازی بلکه می‌توان آن‌ها را نقشه‌های ساخت نامید؛ طومارهایی است که به شکل زیردستی مبنای طرح‌ریزی و ساخت فضاها و جزئیات معماری قرار می‌گرفته‌اند.

۱. قابل اندازه‌گیری

2. Pascal Xavier Coste

3. Sir William Ouseley

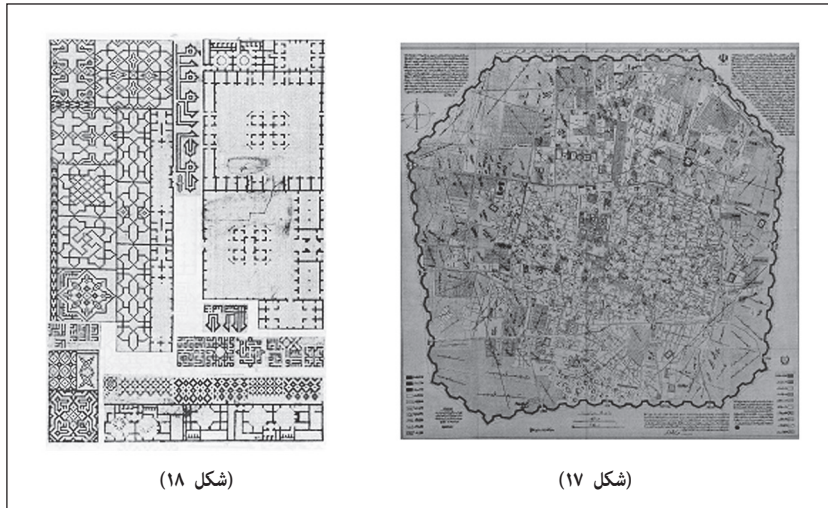
4. Sir Henry Rawlinson

5. Dieulafoy (Jane and Marcel-Auguste)

6. Jucques de Morgan



تعدادی از این اسناد توسط کسپر پاردن کلاک^۱ انگلیسی جمع‌آوری شده است که بعدها سر از موزه ویکتوریا و آلبرت لندن درآوردند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، صص ۲۰-۳۹)؛ (شکل ۱۸).



شکل ۱۷

تهران در نقشه عبدالغفار؛ تهیه شده توسط وی و جمعی از فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون به سال ۱۳۰۹ ق (شیرازیان، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

شکل ۱۸

قطعاتی از طومار با نقش کتیبه و پلان بر شبکه شطرنجی منسوب به میرزااکبر معمار (قرن ۱۲-۱۳ ق) (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

تقریباً هم‌زمان با دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه قاجار، عکاسی در ایران پا گرفت. شاه جوان که خود شیفته این پدیده نوظهور بود از جمله اولین ایرانیانی بود که عکاسی آموخت و متولی ثبت تصاویر فراوانی از آثار معماری ایران شد. بسیاری از این عکس‌ها در خلال سفرهای شاه به اطراف کشور فراهم گشت. ضمناً وی بخشی از مجموعه کاخ گلستان را عکاس‌خانه نمود و به این شکل قدمی در ایجاد اولین مرکز اسناد تصویری ایران برداشته شد. به نظر می‌رسد نخستین عکس از معماری ایران توسط مازور اوگوست کرشیش اتریشی^۲ (۱۸۱۴-۱۸۸۶ م) تهیه شده باشد (شکل ۱۹)؛ همان کسی که یکی از نخستین نقشه‌های تهران (نقشه کرشیش) منسوب به اوست. به گفته یحیی ذکاء: آقارضاخان اقبال‌السلطنه (۱۲۵۹-۱۳۰۷ ق) معروف به رضا عکاس‌باشی نخستین عکاس حرفه‌ای ایران است (ذکاء، ۱۳۸۸، ص ۴۷). از جمله تصاویر متعدد با موضوع معماری و مناظر شهری، بازمانده از وی، تصاویری از شهر تهران و عکس‌هایی است که در خلال سفرهای ناصرالدین شاه به اطراف کشور تهیه کرده است (ذکاء، ۱۳۸۸، صص ۴۷-۵۷). از دیگر عکاسان ایرانی دوره قاجار که تصاویری از آثار معماری و شهرسازی ایران تهیه کرده‌اند می‌توان به: عبدالله میرزای قاجار (۱۲۶۶-۱۳۲۶ ق)، ژوزف پایازیان و سردار علی‌خان حاکم اشاره کرد و از غیرایرانی‌ها می‌توان: لوییجی پشه^۳ ایتالیایی، آنتوان سوریوگین^۴ گرجی و ارنست هولستر^۵ آلمانی (۱۸۳۵-۱۹۱۱ م) را نام برد (شکل ۲۰).

1. Casper Purdon Clarke
2. A. Krziz
3. L. Pesce (یا لویی پشه)
4. A. Sevrugin
5. Ernst Holtzer.

وی به مدت بیست سال (۱۸۶۲-۱۸۸۲ م) در اصفهان زیست و تصاویر ارزشمندی از ایران، به‌ویژه ابنیه تاریخی شهر اصفهان و اطراف آن ثبت نمود (هولستر، ۲۵۳۵).

شکل ۱۹

دروازه جنوبی ارک تهران، عکس از
اوگوست کرشیش (۱۲۷۰ ق)
(کاء، ۱۳۸۸، ص ۱۸).



(شکل ۲۰)



(شکل ۱۹)

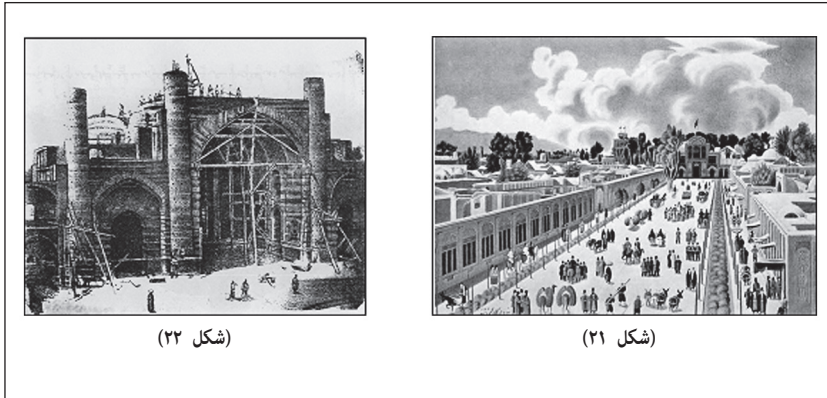
شکل ۲۰

نمایی از عمارت نمکدان در شهر اصفهان از
ارنست هولستر (هولستر، ۲۵۳۵، ص ۱۸۳)؛
این بنا توسط ظل السلطان حاکم اصفهان
در سال ۱۳۰۶ ق تخریب گردید.

در هنر تصویرگری، حجاری و نقاشی دیواری، نیمه ابتدایی دوران قاجار افت کیفی زیادی مشاهده می‌شود. تصویرسازی کتب نیز بی‌تأثیر نماند و در مواجهه با صنعت روبه‌توسعه چاپ مقهور و مغلوب گشت و تصاویری که به آثار معماری پرداخته‌اند خام‌دست و بدوی می‌نمایند. از دوران ناصرالدین‌شاه قاجار به این سو نقاشی ایرانی به آموختن رسمی فنون فضا سازی غربی رو آورد. این روند عمدتاً متأثر از اعزام جمعی از نقاشان درباری به فرنگستان بود. از جمله این افراد می‌توان میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی (معروف به صنیع‌الملک، متوفی ۱۲۸۳ ق) را نام برد. از این تاریخ تأثیر تعلیمات جدید در ارتقای فضا سازی‌های مستندگونه مؤثر بود؛ طوری که در تصویرسازی‌هایی که صنیع‌الملک بر پایه چاپ سنگی (لیتوگرافی) از بعضی از آثار معماری ایران ساخته است ارتقای کیفی محسوسی نسبت به نگاره‌های قبلی مشاهده می‌شود.

اما بهترین مستندسازی‌های معماری و شهرسازی را باید در آثار محمودخان ملک‌الشعرا (۱۲۲۸-۱۳۱۱ ق) جست (شکل ۲۱). موضوع بسیاری از تابلوهای محمودخان، باغ‌ها و ساختمان‌های سلطنتی، خیابان‌ها و مناظر تهران عهد ناصری است (افشار مهاجر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶). نقاش دیگری که آثار معماری را در طرح‌های خود ثبت کرده ابوتراب غفاری (۱۲۶۳-۱۳۰۹ ق) است. تصویرسازی‌های او، که عمدتاً در روزنامه‌ها به شیوه چاپ سنگی تهیه می‌شد، به لحاظ کیفیت از بهترین نمونه‌هاست. از جمله تصویرسازی‌های او با موضوع معماری می‌توان به عمارت سلطنتی شهرستانک و مسجد سپهسالار (شکل ۲۲) اشاره کرد. محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک (۱۲۲۴-۱۳۱۹ ش) را می‌توان آخرین نقاش بزرگ دوران ناصری و اواخر قاجار دانست. هنر او از منظر نقاشی و تأثیرپذیری‌اش از مکتب

نقاشان واقع‌گرای غربی به نقد هنر نقاشی برمی‌گردد؛ اما طرح‌های وی از آثار معماری و شهرسازی، اگر به قصد مستندسازی هم تهیه نشده باشند، در نوع خود مستنداتی ارزشمند محسوب می‌شوند. از جمله این آثار: نماهایی از باغ شاه، کاخ گلستان، کاخ شهرستانک و تکیه دولت (تخریب‌شده) هستند.



(شکل ۲۲)

(شکل ۲۱)

شکل ۲۱

نمایی از خیابان باب همایون اثر محمودخان ملکشعرا (۱۲۸۸ ق) (افشار مهاجر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷)

شکل ۲۲

نمایی از مراحل ساخت مسجد سپهسالار (لیتوگرافی از ابوتراب غفاری) (افشار مهاجر، ۱۳۹۱، ص ۷۷).

مستندسازی معماری و شهرسازی در ایران عصر پهلوی

دوران پهلوی را باید آغاز برخورد علمی با مقوله آثار تاریخی در ایران دانست. باستان‌شناسان در این جریان پیشگام بودند و این دست مطالعات پس از ایشان به میان هنرشناسان و معماران نیز کشیده شد. در میان مستندسازی‌های فراوان انجام شده در این دوران قطعاً آثار بازمانده از اریک اشمیت^۱ (۱۸۹۷-۱۹۶۴م) و ماکسیم سیرو^۲ (متولد ۱۹۰۷م) جایگاه ویژه‌ای دارد. اشمیت زمانی که مسئولیت حفاری‌های تخت جمشید و ری را به عهده داشت طی سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۷ش دو فقره عکس برداری هوایی (فتوگرامتری) انجام داد که تا پیش از آن به این شکل انجام نشده بود. همچنین نقشه‌های فراوانی از آثار تاریخی ایران تهیه کرد که به لحاظ کیفیت فنی و هنری آثاری ممتاز محسوب می‌شوند (شکل ۲۳). لازم به ذکر است اولین سری عکس برداری هوایی تمام ایران حدوداً بیست سال بعد (۱۳۳۴-۱۳۳۵ش) انجام گرفت که تصاویر مذکور نیز از مهم‌ترین اسناد مطالعات معماری و شهرسازی ایران محسوب می‌شوند. مستندسازی‌های صورت گرفته طی مطالعات ماکسیم سیرو روی آثار تاریخی ایران به‌ویژه کاروانسراها (حدوداً ۱۹۳۷م) و همچنین مستندسازی‌های موسسه ایتالیایی ایزمئو^۳ بر روی گنبد سلطانیه از دیگر نمونه‌های ارزشمند هستند. ضمناً محققین ایرانی نیز از این دوران به بعد ابتدا به شکل همکار و سپس مستقلاً به مستندسازی آثار معماری و شهرسازی می‌پردازند که حاصل این تجربیات در میان مدارک تاریخ مستندسازی ایران فراوان دیده می‌شود (شکل ۲۴)؛ تلاش‌هایی که می‌توان آن‌ها را

1. Erich Friedrich Eshmidt

2. Maxime Siroux

۳. ایزمئو: موسسه ایتالیایی مطالعات

خاورمیانه و شرق دور

ISMEO: Istituto italiano per il

(Medio ed Oriente)

به‌واسطه ماهیت علمی و هدفمندشان «مستندسازی نظام‌مند» نامید.

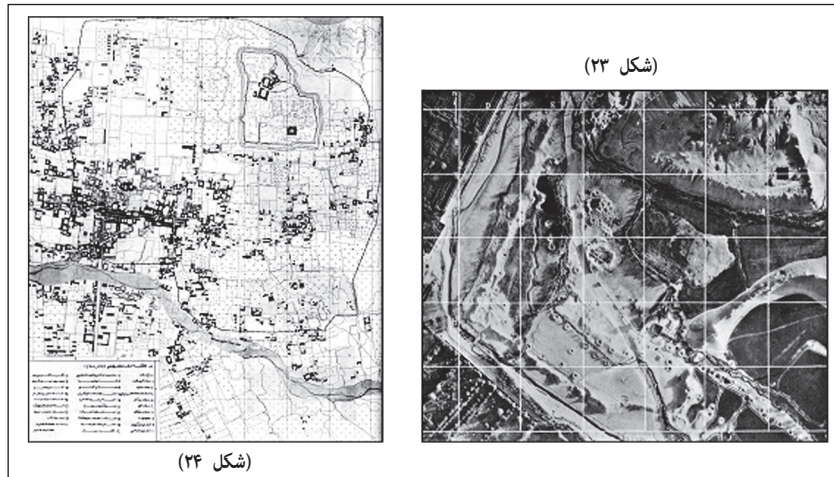
لازم به ذکر است آثار خلق‌شده در حوزه نقاشی و هنرهای تجریدی از دوران پهلوی به این سو به‌واسطه ماهیت غیرمستندشان کمتر به‌عنوان اسناد تصویری در مطالعات معماری به کار گرفته می‌شوند و مستندسازی مبتنی بر ثبت واقعیت‌های موجود به شکل دقیق (نقشه‌برداری) یا تقریبی (عکاسی با دوربین غیرمتریک^۱ و کروکی) تأمین‌کننده نیازهای پژوهشگران می‌گردد.

شکل ۲۳

تصویر هوایی از دارالاماره و ارگ ری
به سال ۱۹۳۶ م
(اشمیت، ۱۳۷۶، ص ۹۶).

شکل ۲۴

نقشه‌ای از ارگ و شهر بم، مربوط به
حوالی دهه پنجاه خورشیدی (نوربخش و
همکاران، ۲۵۳۵، ص ۱۳۷).



فیلم‌برداری و سینما را باید آخرین حلقه مستندسازی تصویری دوران پهلوی دانست. گرچه برخی موضوعات معماری و شهرسازی را می‌توان از خلال فیلم‌های داستانی دنبال کرد اما تعداد فیلم‌هایی که مستقیماً با هدف مستندسازی تهیه شده‌اند بسیار کم است و علت آن را باید نوپا بودن صنعت سینمای مستند در آن دوران دانست. در دو سه دهه اخیر استفاده از ابزارهای مدرن مستندسازی و دیدگاه‌های نوین پژوهشی رشد زیادی داشته است به‌نحوی که امروزه استفاده از مطالعات ژئوفیزیک، اسکن لیزری و انواع آزمایش‌های سال‌یابی در ایران همچون سایر نقاط جهان نه فقط یک امکان تئوری بلکه لازمه عملی پیشبرد مطالعات محسوب می‌شود؛ اما گسترده بودن این فنون و نوپا بودن آنها، نیازمند گذشت زمان بیشتری جهت بررسی و نقد تاریخی است.

نتیجه

بررسی اسناد تصویری حوزه معماری و شهرسازی ایران از دوران قدیم تا دهه‌های اخیر حکایت از تغییرات کمی و کیفی محسوسی دارد. نخستین شواهد موجود به تمدن‌های جیرفت و ایلام برمی‌گردد همچنین مستندسازی‌هایی که توسط آشوریان از آثار تمدنی اورارتو و ماد انجام گرفته قابل توجه است. مدارک مذکور بعضاً با هدف ثبت یک واقعیت

۱. منظور دوربین‌های معمولی است. این کلمه در مقابل دوربین‌های متریک بکار رفته است که دارای هندسه دقیق و ثابت بوده و نشان‌های اعوجاج کمی دارد و در نقشه‌برداری کاربرد دارند.

موجود تهیه شده‌اند. از دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی با وجود مدارک متعدد نوشتاری، شواهد تصویری مرتبط در حوزه معماری و شهرسازی تاکنون مشاهده نشده است. مدارک تصویری باقی مانده از قرون اول تا میانه هجری عمدتاً در حوزه جغرافیا هستند و مدارک تصویری بازمانده از دوره ایلخانی و تیموری عمدتاً نقشه‌های ساخت هستند که با وجود دقت بالا نمی‌توان آن‌ها را مستندسازی وضع موجود حساب کرد. از دیگر اسناد تصویری این دوران می‌توان به آثار نگارگری انجام گرفته بر کتب ادبی اشاره کرد که در عین مفید بودن، به واسطه ماهیت تزئینی، کمتر مستند هستند و باید در مطالعات دوره منسوب با احتیاط مورد استفاده قرار گیرند.

مدارک تصویری دوران صفوی تا عهد قاجار، به واسطه حضور مستشرقین و نگارش‌های واقع‌پردازانه ایشان، به تدریج و به شکلی غیریکنواخت افزایش کمی و ارتقای کیفی یافت تا آنجا که آثار معماری چندی نقشه‌برداری شد و شهرهای متعددی ثبت گشت. به کارگیری این فنون توسط ایرانیان نسبتاً با تأخیر توأم بود که این موضوع تا اواسط قاجار و راه‌اندازی دارالفنون به طول انجامید؛ اما مستندسازی به کمک عکاسی به واسطه حمایت دربار نسبتاً خوش اقبال بود و آثار متعددی را شامل گشت. دوران پهلوی را به واسطه به کارگیری شیوه‌های علمی می‌توان آغاز مستندسازی نظام‌مند در ایران دانست؛ روندی که توسط غربیان آغاز و به وسیله ایرانی‌ها دنبال شد. استفاده از تصاویر هوایی و فنون نقشه‌برداری از علل واقعی‌تر شدن مستندسازی‌های این دوره است.

روش‌های جدید مستندسازی آثار تاریخی در دو سه دهه اخیر توسعه فراوانی یافته‌اند به نحوی که پرداختن به تاریخچه و علل وجودی آن‌ها نیازمند یک تحقیق مختص است که در این نوشتار نمی‌گنجد.

منبع

کتاب فارسی

- ابوالوفای بوزجانی، محمدبن محمد (۱۳۸۴). *هندسه ایرانی: کاربرد هندسه در عمل*. (علیرضا جذبی، مترجم و گردآورنده). تهران: سروش.
- اتینگهاوزن، ریچارد و آلگ گرابر (۱۳۸۲). *هنر و معماری اسلامی*. (ج ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: سمت.
- اشمیت، اریک. ف. (۱۳۷۶). *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*. (آرمان شیشه‌گر، مترجم). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۱). *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*. تهران: دانشگاه هنر.
- باقری، مه‌ری (۱۳۷۸). *کارنامه اردشیر بابکان*. تهران: نشر قطره.
- پیوتروفسکی، ب. ب. (۱۳۴۸). *اورارتوها*. (عنایت‌الله رضا، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). *میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*. تهران: سازمان میراث



- فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و موسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب (۱۳۶۸). *نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس*. تهران: سحاب.
- ذکاء، یحیی (۱۳۸۸). *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*. (حسین محسنی و محمدجعفر سروقدی، گردآورندگان). تهران: عفاف.
- سمسار، محمدحسن و فاطمه سربایان (۱۳۹۰). *کاخ گلستان (آلبوم خانه): فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار*. تهران: کتاب آباد و زیران.
- شعار، جعفر (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورت‌الارض*. تهران: امیرکبیر.
- شیرازیان، رضا (۱۳۹۱). *راهنمای نقشه‌های تاریخی شهر تهران*. تهران: دستان.
- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید (۱۳۹۲). *رسالة طاق و ازج*. (سید علیرضا جذبی، مترجم). تهران: سروش.
- کنبای، شیلا (۱۳۸۱). *نگارگری ایرانی*. (مهناز شایسته‌فر، مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کوست، پاسکال (۱۳۹۰). *بناهای دوره اسلامی ایران: از آغاز تا ۱۲۱۸ ش*. (آتوسا مهرتاش، مترجم). تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- گرایر، الگ (۱۳۸۳). *مروری بر نگارگری ایرانی*. (مهرداد وحدتی دانشمند، مترجم). تهران: فرهنگستان هنر.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶). *تاریخ و تمدن ایلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ و محمدرضا میری (۱۳۹۲). *باستان‌شناسی حوزه هلیل رود: جنوب شرق ایران، جیرفت*. تهران: فرهنگستان هنر.
- مطراچی، نصح (۱۳۷۹). *در بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان*. (رحیم رئیس‌دانا، مترجم). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مهریار، محمد؛ شامیل فتح‌الله‌یف؛ فرهاد فخاری تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۸). *اسناد تصویری شهرهای ایرانی: دوره قاجار*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- نارمن شارب، رلف (۱۳۴۶). *فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی*. شیراز: شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی.
- نجیب اوغلو، گلرو (۱۳۷۹). *هندسه و تزیین در معماری اسلامی*. (مهرداد قیومی بیدهندی، مترجم). تهران: روزنه.
- نوربخش، حمید؛ عبدالرحمن گلابی؛ امیر کاظم تبریزی؛ عیسی حجت و علیرضا شادانلو (۲۵۳۵). *ارگ بم: همراه با تاریخچه مختصری از شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. بی‌جا: بی‌نا.
- همایون، غلامعلی (۱۳۴۸). *اسناد مصور اروپائیان از ایران: از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- هولستر، ارنست (۲۵۳۵). *ایران در یکصد و سیزده سال پیش با شرح و تصویر، بخش نخست: اصفهان*. (محمد عاصمی، مترجم و گردآورنده). تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- هرمان، جورجینا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*. (مهرداد وحدتی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

